

عشق مسافر کش اینترنتی به دختر جوان رنگ خون گرفت!



از روز حادثه بگو؟ از پرسنتو شنیده بودم که سهیل خواستگار سابقش بوده و مدتی با یکدیگر نامزد شده بودند اما عمر رابطه آنها کوتاه بود. چون به شدت با یکدیگر اختلاف داشتند. پرستو برایم تعریف کرده بود که آنها مدام با هم درگیری داشتند و در نهایت نیز تصمیم گرفتند به رابطه شان پایان بدهند. از طرفی متوجه شده بودم که سهیل همچنان به پرستو زنگ می زد. برای همین تصمیم گرفتم با او قرار بگذارم و بخواهم که از زندگی ما بیرون برود. آن روز با پرستو سوار بر خودروی پرایدیم بودم که او به سهیل زنگ زد و قرار گذاشت. وقتی سهیل سوار ماشینم شد حرکت کردم به سمت جاده ساوه و در یک جای خلوت توقف کردم. به او گفتم که دیگر مزاحم پرستو نشود، حتی تهدیدش کردم اما حرف های او مرا عصبانی کرد و با هم درگیر شدیم. سپس از ماشین پیاده شدیم، در حالی که پرستو داخل ماشین بود. درگیری ما به زد و خورد کشیده شد و بعد با چاقویی که همراهم بود ضرباتی به سهیل زدم و جانش را گرفتم.

پرستو در این درگیری دخالت نکرد؟ نه داخل ماشین بود. با جسد سهیل چه کردی؟ وقتی مطمئن شدم فوت شده، جسدش را به سمت بیابان ها کشیدم، از پشت ماشینم بنزین برداشتم و جسد را به آتش کشیدم.

اما در ادامه بررسی ها مشخص شد که او به تازگی به خواستگاری پرستو، همان دختری که قبلا نامزد جوان گمشده بوده، رفته است. این اطلاعات مأموران را به ماجرا مشکوک کرد و آنها به بازجویی از حامد (مسافر کش اینترنتی) ادامه دادند تا اینکه وی روز جمعه اسرار ناپدید شدن جوان گمشده را فاش کرد و گفت او را به قتل رسانده و پرستو نیز شاهد جنایت بوده است. به این ترتیب پرستو نیز دستگیر شد و با اعترافات این دو متهم اسرار ناپدید شدن خواستگار سابق بر ملا شد.

حامدمی گوید که مقتول رقیب عشقی او بوده و به همین دلیل تصمیم گرفته وی را به قتل برساند.

در ادامه گفت و گو با حامد را می خوانید:

مقتول را می شناختی؟ نه. نخستین بار او را در همان روزی دیدم که قرار بودی را به قتل برسانم. البته می خواستم با او تمام حجت کنم اما ورق برگشت و تبدیل به قاتل شدم.

چرا می خواستی با او تمام حجت کنی؟ چون مزاحم دختر مورد علاقه ام می شدم. من به خواستگاری پرستو رفته بودم و قرار بود بزودی با یکدیگر ازدواج کنیم و می ترسیدم که او به خاطر سهیل مرا رها کند. رفته که سهیل را ببینم و به او بگویم بی خیال پرستو شود اما درگیر شدیم و ناخواسته او را به قتل رساندم.

گروه حوادث - همه چیز از روزی شروع شد که یک مسافر کش اینترنتی، دلپخته دختری جوان شد و به خواستگاری اش رفت. آنها قرار بود با یکدیگر ازدواج کنند اما وقتی پای خواستگار سابق دختر به ماجرا باز شد، حادثه ای رقم خورد که پایان مرگباری داشت. اواسط بهمن سال گذشته مأموران پلیس آگاهی تهران در جریان ناپدید شدن پسری به نام سهیل قرار گرفتند. پدر سهیل می گفت که او آخرین بار برای انجام کاری از خانه خارج شده اما دیگر برنگشته و با گذشت چند روز از این ماجرا احتمال می دهد که بلایی بر سرش آمده است. با اظهارات این مرد، مأموران اداره چهارم پلیس آگاهی تهران جست و جو برای یافتن پسر گمشده را آغاز کردند. در بررسی های اولیه معلوم شد که سهیل پیش از این به خواستگاری دختری به نام پرستو رفته و با وی نامزد کرده بود اما به دلیل وجود اختلافات فراوان از یکدیگر جدا شده بودند. کار آگاهان به سراغ پرستو رفتند اما او مدعی بود که اطلاعی از سرنوشت جوان گمشده ندارد.

کار آگاهان در ادامه تحقیقات دریافتند که سهیل آخرین بار سوار بر خودروی جوانی به نام حامد شده است. سهیل مسافر کش اینترنتی بود و آخرین مکالمه تلفنی سهیل با او انجام شده بود. راننده جوان بعد از دستگیری مدعی شد که از سرنوشت سهیل بی خبر است

رودن دختر ۱۷ ساله به دست شرور خطرناک در تهران؛

کینه وحشت آور با جواب منفی در مراسم خواستگاری



گروه حوادث - شرور که در جریان خواستگاری از دختر مورد علاقه خود، جواب منفی شنیده بود در اقدامی هولناک دست به آدم ربایی این دختر زد اما با اقدام ضربتی و به موقع پلیس دستگیر شد. چندی قبل، زن جوانی هراسان به یکی از کلانتری های جنوب تهران رفت و هنگامی که مقابل افسر نگهبان قرار گرفت، گفت: یکی از ارازل و اوایش های محل به نام "بیژن" به خواستگاری دختری ۱۷ ساله آمد بود اما به خاطر شرایطش و اعتیادی که الکل به دارد، جواب منفی دادیم اما او کینه به دل گرفت!

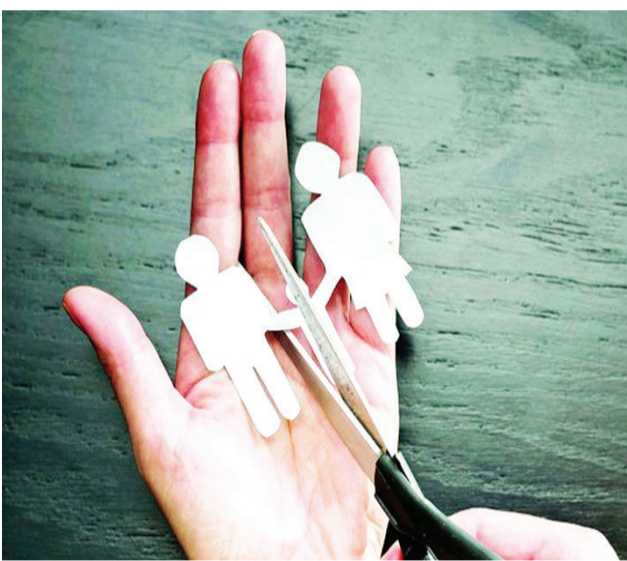
شکای آدمه داد: روز حادثه، بیژن و ۲ نفر از دوستانش که به خاطر مصرف مشروبات الکلی در حالت طبیعی نبودند به سمت خانه ما حمله کردند و پس از شکستن قفل درب با میله آهنی وارد خانه شدند و پس از ضرب و شتم اعضای خانواده ام، دخترم را به قصد آدم ربایی سمت خودروی خود بردند همچنین آنها قبل از اینکه فرار کنند در جریان از تکاب جرم، مرد همسایه ای که قصد داشت دخترم را نجات دهد تا طبقه دوم راه پله های ساختمان به پایین پرتاب کردند!

پس از ثبت شکایت و تشکیل پرونده در دادسرای جنایی، تیمی از کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی خیلی زود راهی صحنه جرم شدند و با بازبینی دوربین های مدار بسته، پلاک خودروی مورد نظر را شناسایی کردند که در ادامه نیز تردد ماشین آنها در حوالی شهرستان آمل ردیابی شد

و همین سرخ کافی بود تا متهمان در یک قدمی بازداشت قرار بگیرند. اقدامات اطلاعاتی برای دستگیری ۳ مرد جوان ادامه داشت اما هنگامی که آنها متوجه شدند از سوی پلیس تحت پلیس تعقیب هستند دختر جوان را رها کردند و به صورت جداگانه متواری شدند. پس از بازگشتن دختر جوان به خانه اش تحقیقات جنایی ادامه پیدا کرد و مشخص شد خواستگار شرور در خانه پدرش واقع در محله قرچک مخفی شده که ساعتی بعد کارآگاهان راهی مخفیگاه مورد نظر شدند و پس از تعقیب و مراقبت چند

دقیقه ای او را طی یک عملیات ضربتی بازداشت کردند. متهم پس از انتقال به اداره پلیس خیلی زود هدف تحقیق قرار گرفت و به جرم خود مبنی بر آدم ربایی دختر جوان با همدستی ۲ نفر از دوستانش اعتراف و عنوان کرد به خاطر اینکه مشروبات الکلی مصرف کرده مرتکب جرم شده است. با دستور باز پرس جنایی، متهم برای روشن زوایای پنهان پرونده در اختیار کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی قرار گرفت و تحقیقات جهت دستگیری ۲ ارازل و اوایش فراری دیگر ادامه دارد.

دزد منزلشان را بخشید در خواست و طلاق داد!



گروه حوادث - مرد جوان وقتی دزد خانه اش را بخشید و از پول و طلاهایشان گذشت، هرگز تصورش را نمی کرد که این کارش پای او را به دادگاه خانواده تهران باز کند. مرد جوان وقتی دزد خانه اش را بخشید و از پول و طلاهایشان گذشت، هرگز تصورش را نمی کرد که این کارش پای او را به دادگاه خانواده تهران باز کند. زن جوان وقتی دید شوهرش از خیر طلاهای او گذشت و رضایت خودش را اعلام کرد، جنجال به راه انداخت. این زوج پس از سه سال زندگی مشترک، راهی دادگاه خانواده شدند و درخواست طلاق خود را ارائه کردند. زن جوان وقتی مقابل قاضی دادگاه خانواده قرار گرفت، درباره علت درخواست طلاق گفت: شوهرم با من لجبازی کرد و باعث شد کلی از طلاهایم را از دست بدهم. ماجرا از این قرار بود که چند ماه پیش یک شب با شوهرم وقتی به خانه برگشتم، متوجه شدم که شوهرم خانه شدم. دزد به آنجا دستبرد زده بود. تمام طلاهای مرا که از عروسیمان نگه داشته بودم و کلی پول به سرقت رفته بود. طلاهای من خیلی با ارزش بودند. اکثرش جواهر بود. آن قدر حالم بد شد که کارم به بیمارستان کشید. ماهمان شب شکایت کردم و پیگیر پرونده شدم. پیگیری ها ادامه داشت تا این که از یک جایی به بعد مطمئن شدم این دزدی کار نطفه چینی ساختمان مانده است.

او را به پلیس معرفی کردم. در نهایت پلیس هم بعد از تحقیقات تایید کرد این سرقت از سوی او صورت گرفته و نطفه چینی ساختمان دستگیر شد. او به سرقت از خانه مانع اعتراف کرد و گفت به خاطر بی پولی دست به این دزدی زده است. او مدعی شد به همه طلاها را به یک مالخر فروخته است. آن مالخر هم پیدا نشد. با این حال من خیلی جدی به دنبال این پرونده بودم و احساس می کردم متهم دروغ می گوید. بالاخره از آن همه طلا و جواهرات بخشی را نگه داشته بودم و می توانستم آن را پس بگیرم. هر چه من پیگیر بودم، شوهرم خیلی خونسرد بود و نه تنها خودش به دادگاه نمی رفت، بلکه به من هم می گفت چرا آن قدر پیگیری می کنم. می گفت فدای سرت و از خیر طلاها بگذر. ولی من نمی توانستم. آنها اموال من بودند نه شوهرم. تا این که در کمال تعجب وقتی یک روز به دادگاه رفتم متوجه شدم شوهرم رضایت داده و از خیر طلاها گذشته است. خیلی تعجب کردم و در نهایت چنان دعویایی به پا شد که هر دو تصمیم گرفتیم برای همیشه از هم جدا شویم. شوهرم باید به خواسته و نظر من هم احترام می گذاشت. در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: آقای قاضی همسرم از وقتی دزدی شد، دیگر مثل سابق نبود. همیشه حالش بد بود. استرس داشت. وقتی هم که دزد خانه مان دستگیر شد دیگر

در تمام این مدت، پرستو شاهد جنایت بود؟ بله و خیلی هم ترسیده بود. من همه این کارها را به خاطر عشقی که به پرستو دارم انجام دادم اما به عاقبت کارم فکر نکردم. با پرستو چطور آشنا شدی؟ من مسافر کش اینترنتی هستم. چند ماه قبل از قتل، پرستو درخواست خودرو داد و من قبول کردم. از مقابل دانشگاهش سوار ماشینم شد تا او را به خانه اش برسانم. در بین راه

در تمام این مدت، پرستو شاهد جنایت بود؟ بله و خیلی هم ترسیده بود. من همه این کارها را به خاطر عشقی که به پرستو دارم انجام دادم اما به عاقبت کارم فکر نکردم. با پرستو چطور آشنا شدی؟ من مسافر کش اینترنتی هستم. چند ماه قبل از قتل، پرستو درخواست خودرو داد و من قبول کردم. از مقابل دانشگاهش سوار ماشینم شد تا او را به خانه اش برسانم. در بین راه

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش | تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) | سایت: www.eghtesad-kish.ir

<p>مفقودی</p> <p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۳۳۶۱۳/۰۱</p> <p>به نام محسن رضایی مفقود گردیده</p> <p>و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<p>پیرایشگاه</p> <p>پیرایش علیرضا</p> <p>ارائه جدیدترین متد روز</p> <p>خدمات پوست و مو آقایان</p> <p>نشانی: جزیره کیش، فاز A، پارک مینا، مجتمع خدماتی پارسیان، غرفه ۱۵</p> <p>۰۹۳۴۷۶۸۳۱۷۹ - ۰۹۱۲۸۶۳۹۱۷۹</p>	<p>لوازم یدکی</p> <p>تهیه لوازم یدکی خودرو شما</p> <p>در سریعترین زمان</p> <p>۰۹۱۱۲۱۱۱۸۲۸ جعفری</p>	<p>استخدام</p> <p>استخدام منشی عصر ساکن کیش</p> <p>یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب</p>
<p>مفقودی</p> <p>اصل قرارداد به شماره ۹۷/۰۱/۵۵۱ ک مورخه ۹۷/۰۱/۱۵</p> <p>منعقد فی ما بین شرکت انبوه سازان نفیس کیش و آقای بهراد شادمانی در مورد پیش فروش یک واحد آپارتمان در دست احداث به مساحت تقریبی ۱۲۵ متر مربع واقع در مجتمع ستاره کیش بلوک ۷۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<p>حمل بار</p> <p>حمل و جابجایی کالا</p> <p>با ۶ چرخ در سطح جزیره</p> <p>۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰</p>	<p>مقاضی رهن و اجاره</p> <p>استخدام منشی صبح ساکن کیش</p> <p>یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت صبح استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۸ تا ۳/۵</p>	<p>مقاضی رهن و اجاره</p> <p>استخدام منشی صبح ساکن کیش</p> <p>یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت صبح استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۸ تا ۳/۵</p>
<p>مفقودی</p> <p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۵۶۸۵۶/۰۱</p> <p>به نام سالار صف شکن مفقود گردیده</p> <p>و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<p>ساختمان</p> <p>تعمیرات و تأسیسات منزل</p> <p>لوازم آشپزخانه آب - برق</p> <p>۰۹۱۷۹۷۵۷۲۳۰ خاکساری</p>	<p>مقاضی رهن و اجاره</p> <p>مقاضی رهن و اجاره</p> <p>در نوبنیاد</p> <p>شماره تماس: ۰۹۳۶۷۹۶۹۴۴۱</p>	<p>مقاضی رهن و اجاره</p> <p>مقاضی رهن و اجاره</p> <p>در نوبنیاد</p> <p>شماره تماس: ۰۹۳۶۷۹۶۹۴۴۱</p>

صنایع چوب | کلیه سفارشات | MDF، چوبی | دکوراسیون غرفه و منزل | کیش کیش | تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲۰